

روش‌های تربیت اجتماعی بر محور قرآن کریم*

□ حمید الله شریفی**

□ مجید طرقي***

□ عباسعلی شاملی****

چکیده

قرآن کریم به عنوان منبعی جامع و حیانی، روش‌های ترمیمیت اجتماعی را در چارچوبی نظام‌مند ارائه می‌دهد که هدف آن شکوفایی استعدادهای انسان در بستر جامعه و نهادهای سازش ارزش‌های اخلاقی است. این پژوهش، با هدف کشف و شناسایی روش‌های تربیت اجتماعی بر محور قرآن کریم، با روش توصیفی-تحلیلی و با تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن، سه دسته اصلی روش‌های تربیت اجتماعی را، شناسایی و استخراج کرده است:

اول؛ روش‌های «ارشادی» (مانند استدلال، اندرزهای نیگو و گفتگو و مناظره) که به رشد عقلانی، اخلاقی و روحی افراد کمک کرده و با تقویت بینش و دانش، زمینه‌ساز انتخاب آگاهانه و اصلاح باورهای نادرست اجتماعی می‌شوند. دوم؛ روش‌های «رفتاری» (شامل ارائه سرمشق از طریق مشاهده، الگوگیری از گروه مرجع و برقراری ارتباط مؤثر) که با تأکید بر روابط سازنده و عملگرایی، الگوهای عینی تعاملات سازنده را آموزش می‌دهند. سوم؛ روش‌های «عاطفی» (همچون مهرورزی و همدلی کردن) که با تحکیم پیوندهای انسانی، جامعه را به سمت وحدت، عدالت و کاهش خشونت سوق می‌دهند.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۲/۳/۱۵؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۹/۲۰. این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «الگوی تربیت اجتماعی در قرآن کریم و مقایسه آن با رویکرد تربیتی نولبرالیزم» است که در جامعه المصطفی (ع) العالمیه دفاع شده است.

** دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن با گرایش علوم تربیتی، افغانستان (نویسنده مسئول): sharifih4@gmail.com

*** گروه فقه تربیتی، مجتمع عالی فقه، جامعه المصطفی (ع) العالمیه، قم، ایران majidtoroghi40@gmail.com

**** گروه علوم تربیتی، مجتمع عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی (ع) العالمیه، قم، ایران.

aashameli@yahoo.com

بر اساس یافته‌های پژوهش قرآن کریم با تلفیق عقلانیت، عمل و عاطفه، الگویی یکپارچه برای تربیت اجتماعی ارائه می‌کند که هم به رشد فردی توجه دارد و هم ساختارهای جامعه را بر پایه‌ی اخوت، تعاون و احترام متقابل بازسازی می‌نماید. این روش‌ها نه تنها پاسخگوی چالش‌های جوامع اسلامی است، بلکه به عنوان راهکاری در سطح کل جهان برای مقابله با آسیب‌هایی چون فردگرایی، تعصبات و گسست اجتماعی در عصر حاضر قابلیت اجرایی دارد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تربیت، تربیت اجتماعی، روش، روش تربیتی.

مقدمه

انسان موجودی چند ساحتی است که همه ابعاد وجودی او با هم تعامل دارند. یکی از ابعاد وجودی انسان، اجتماعی بودن اوست. فرد در محیط اجتماعی متولد می‌شود، رشد می‌یابد، به کمال می‌رسد و در تعاملات اجتماعی نیازهای خود را تأمین می‌کند. بنابراین، اجتماعی بودن، نقش اساسی و بنیادی در زندگی انسان دارد به گونه‌ای که اگر فرد ارتباط و تعامل اجتماعی را نادیده بگیرد، ممکن است حیات و بقاء خود را به خطر بیندازد. برای این‌که انسان بتواند در جامعه از مزایای اجتماعی بودن بهره‌مند شود، در گام نخست باید تربیت اجتماعی داشته باشد. در اثر تربیت اجتماعی، استعدادهای اجتماعی بودن انسان شکوفا می‌گردد و به سمت کمال و تعالی رهنمون می‌گردد. زندگی سالم، مثبت، آرام و لذتبخش را در جمع تجربه می‌کند. فردی که فرایند تربیت اجتماعی را با موفقیت سپری می‌کند، دارای مهارت‌های اجتماعی در زندگی خود خواهد شد و کسی که فاقد مهارت‌های اجتماعی مطلوب است، انزوا، تنهایی، احساسات ناخوشایند، افسردگی و ناکارآمدی را تجربه خواهد کرد. در بعد اجتماعی در اثر تربیت سالم، بسیاری از نابهنجاری‌های اجتماعی کاهش می‌یابد، مسئولیت‌های اجتماعی که به عهده افراد در جامعه است فراموش نمی‌شود و نیز، حوادث ناگوار و خشونت فزاینده‌ای که در جوامع مشاهده می‌شود. کاهش می‌یابد. در اینکه ریشه اجتماعی بودن انسان به کجا برمی‌گردد، تلقی یکسانی وجود ندارد؛ به باور برخی اندیشمندان، اجتماعی بودن انسان، در نیازهای او ریشه دارد و تنها چیزی که انسان را مجبور به پذیرش زندگی اجتماعی می‌کند، اضطرار است. به باور باروخ اسپینوزا^۱

ناتوانی و احتیاج، انسان را به زندگی اجتماعی واداشته است (فروغی، ج ۲، ۱۳۸۳: ۲۲۲). این نظریه، بیان می‌کند بشر که در مقابل طبیعت ضعیف و ناتوان است، مجبور به رعایت اصول روابط اجتماعی و نیز، محتاج به تربیت اجتماعی است. به باور ابن خلدون، اجتماعی بودن انسان در سرشت و فطرت وی ریشه دارد. فطرت انسان، او را به سوی زندگی اجتماعی رهنمون می‌کند (ابن خلدون، ج ۱، ۱۳۸۲: ۳۳۷).

به نظر می‌رسد تنها نیازها و خواسته‌ها و ناتوانی در برآوردن همه آن‌ها، دلیلی در به وجود آمدن اجتماع و زندگی اجتماعی انسان‌ها نیست، بلکه زندگی اجتماعی برای انسان امری طبیعی است و ریشه‌های عمیق در روح و جان او دارد. قرآن کریم در آیات متعددی به اجتماعی بودن انسان اشاره دارد و بیان می‌کند که انسان موجود اجتماعی است. برای نمونه، در سوره مبارکه حجرات آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/ ۱۳) ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است».

خداوند متعال در این آیه شریفه می‌فرماید همه شما از یک مرد و زن آفریده شده‌اید. همه برادرید، اعضا یک خانواده هستید و به یک ریشه بر می‌گردید، تفاوت رنگ‌ها، اختلاف مکانی، زبانی، قبیله‌ای، همه دلیل معرفی شدن و شناسایی (تعارف) است. خداوند شما را گروه گروه و قبیله قبیله آفرید تا بتوانید زندگی اجتماعی داشته باشید و با یکدیگر تعامل مثبت داشته و با تعاون در کارهای نیک و همکاری و همدلی، در مسیر رشد حرکت کنید. فقره قرآنی «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ»، یکی از دلایل فطری بودن زندگی اجتماعی انسان است. در حقیقت خلقت اقوام مختلف در میان نسل انسان به جعل و تدبیر الهی و برای شناخت متقابل و تحقق روابط و تعامل اجتماعی است. به صورت کلی، آموزه‌های اجتماعی اسلام، پیوند دهنده‌ی آدمیان در بستر زندگی اجتماعی است؛ حج، نماز جمعه و جماعت، اصل اخوت، مواسات، نفی رهبانیت از جمله آموزه‌هایی هستند که ربوبیت تشریعی را به ربوبیت تکوینی در شکل دهی زندگی اجتماعی پیوند زده‌اند (جامعه‌المصطفی ﷺ، ۱۳۹۳: ۴۸۱).

قرآن کریم، به عنوان نظامنامه‌ی تربیتی، همه ابعاد وجودی آدمی از جمله تربیت اجتماعی وی را نیز مورد توجه قرار داده است. تربیت اجتماعی در قرآن کریم بر بنیان‌ها و پیش‌فرض‌های خاصی استوار است. شناخت این مبانی، امکان استنباط دیگر عناصر مرتبط با تربیت اجتماعی، از جمله روش‌های آن را فراهم می‌سازد.

برخی از پیش‌فرض‌ها و ویژگی‌ها عبارتند از: اثرگذاری و اثرپذیری انسان از محیط و عوامل بیرونی (فرقان/ ۲۹-۲۷)؛ این حقیقت که زندگی پاک هر انسانی (اعم از زن و مرد) در عرصه زندگی فردی و اجتماعی، وابسته به پذیرش فرهنگ اسلامی است؛ شاخص مهم این فرهنگ، عملکرد شایسته و کارهای پسندیده و ایمان است (نحل/ ۹۷) و انسان‌ها برغم چهره‌های گوناگون، ذوق‌ها و افکار متفاوت، و تنوع وسیع در تمام جنبه‌های وجودی، همه از نفس واحد و یک فرد آفریده شده‌اند: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ» (انعام/ ۹۸). جنبه مشترک انسان‌ها در این آیه ذیل برابری در خلقت، برابری در کمال، برابری در حقوق، برابری در تکلیف و برابری اجتماعی انسان‌ها را نشان می‌دهد. طبق مبنای دیگر، انسان دارای فطرت و سرشتی است که در نهاد او، معرفت‌های دینی و تمایلات فطری با جهت‌گیری و سمت و سوی ویژه‌ای به سوی خدا، وجود دارد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم/ ۳۰). بنابراین، انسان‌ها در ادراکات عقلی اولیه و گرایش‌های فراحوانی مانند حقیقت‌جویی، زیباخواهی، کمال‌طلبی و توانایی مانند یادگیری زبان و قدرت خودسازی، باهم مشترک‌اند و این ویژگی‌های مشترک به دلیل عوامل خارجی و القانات محیط، جامعه و تربیت به وجود نیامده است؛ بلکه خاصیت روح انسانی است و هر انسانی به صورت ذاتی - هرچند در حد بسیار ضعیف و نهفته - از آن بهره‌مند است (رجبی، ۱۳۸۴: ۱۲۶).

انسان‌ها در عین حال که در خلقت و سرشت باهم مشترکند، در استعدادها، توانایی‌ها باهم تفاوت دارند که از آن به تفاوت‌های فردی یاد می‌شود. به این ویژگی انسان‌ها در قرآن کریم اینگونه اشاره شده است: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (انعام/ ۱۶۵)؛ و او کسی

است که شما را جانشینان (و نمایندگان) خود در زمین ساخت، و درجات بعضی از شما را بالاتر از بعضی دیگر قرار داد، تا شما را به وسیله آنچه در اختیارتان قرار داده بیازماید؛ به یقین پروردگار تو سریع العقاب و آمرزنده مهربان است. (کیفر کسانی را که از بوته امتحان نادرست درآیند، زود می‌دهد؛ و نسبت به حق پویان مهربان است). این آیه بیان می‌کند که انسان‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند. تفاوت در استعدادها، توانایی‌ها، عواطف و تمایلات. خداوند آنان را آزمون می‌کند تا خصوصیات درونی‌شان در اعمال و رفتارشان پدیدار شود و از این طریق، فرصت رشدشان فراهم گردد. افراد در جامعه مسئولیت دارند تا متناسب با توانایی‌های فردی خودشان، برای رشد و شکوفایی جامعه، تکالیفی برعهده بگیرند.

کرامت انسانی، یکی دیگر از مبانی تربیت اجتماعی است که در قرآن کریم به آن اشاره شده است: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَ فَضَّلْنَا هُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ (اسراء/۷۱) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم». آیه شریفه، به دو نوع کرامت اشاره دارد، یکی کرامت ذاتی که انسان از آن جهت که انسان است مورد تکریم و فضیلت خداوند قرار دارد. نوع دوم از کرامت انسان، کرامت اکتسابی است، منظور از کرامت اکتسابی، این است که انسان با کسب ارزش‌های مانند علم، ایمان، تقوی، اخلاق، و... نسبت به کسانی که فاقد هریک از آنهاست یا فاقد مراتب کامل‌تر آنهاست، کرامت بیشتری داشته باشد. بر مبنای این ویژگی، در تعاملات اجتماعی باید کرامت انسان حفظ شود و در فرایند تعلیم و تربیت متربی، گوهر گرانبهای کرامت انسان، گرامی داشته شود و عزت نفس و کرامت الهی در وجود انسان شکوفا شود.

با استناد به مبانی و ویژگی‌هایی که برای انسان در قرآن کریم بیان شده، می‌توان روش‌هایی را برای تربیت انسان (به‌ویژه تربیت اجتماعی)، استخراج کرد. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به بررسی روش‌های تربیت اجتماعی، در قرآن کریم می‌پردازد و داده‌های تحقیق با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند. پرسش اصلی تحقیق این است که قرآن کریم، برای تربیت اجتماعی انسان، چه روش‌هایی را ارائه می‌دهد؟ برای پاسخ به این پرسش، پس از بررسی پیشینه تحقیق، از مفاهیم

کلیدی تحقیق ابهام‌زدایی شده و در گام بعدی، بحث اصلی که روش‌های تربیت اجتماعی در قرآن کریم است، مورد بررسی قرار می‌گیرند و در نهایت، نتیجه‌گیری بحث ارائه خواهد شد.

پیشینه تحقیق

این پژوهش، از این جهت که به صورت مستقل، روش‌های تربیت اجتماعی بر محور قرآن کریم را بررسی می‌کند، بی‌پیشینه است. البته مطالعات کلی و پراکنده‌ای در این زمینه انجام شده که می‌توان گفت تحقیق حاضر از سویی مکمل این دسته تحقیقات به شمار می‌آید و از دیگرسو، با واکاوی بحث و تمرکز بر روش‌های تربیت اجتماعی در قرآن، از زوایای نااکویده این بحث، ابهام‌زدایی می‌شود. به هرروی، در ادامه به نمونه‌هایی از مطالعاتی که در این حوزه انجام شده اشاره می‌شود.

شاید نزدیک‌ترین بحث به پژوهش حاضر، پژوهش شجاعی و همکاران تحت عنوان «اصول و روش‌های تربیت اجتماعی و دینی از منظر قرآن کریم»، باشد (شجاعی و همکاران، ۱۴۰۱). چنانکه عنوان این پژوهش نشان می‌دهد، مباحث آن در گام نخست هم ناظر به اصول تربیت اجتماعی است و هم روش‌های تربیت اجتماعی را پوشش می‌دهد. البته قلمرو مباحث آن اصول و روش‌های دینی را نیز، در برمی‌گیرد و متمرکز بر روش‌های تربیت اجتماعی در قرآن نیست. حسینی‌زاده، در پژوهشی به بررسی روش‌های تربیتی در قرآن کریم، همت‌گماشته (حسینی‌زاده، ۱۴۰۰) و روش‌های تربیتی مختلفی مانند روش محبت، روش بینش و بصیرت، روش اعتدال و... را بررسی کرده که همه این روش‌ها به منزله روش‌های عام تربیتی، در نظر گرفته شده و به ساحت خاص تربیتی توجه نشده است. البته روشن است این دسته تحقیقات، دست‌مایه اصلی پژوهش حاضر خواهد بود که متمرکز بر روش‌های تربیت اجتماعی است. رمضان‌ی و حیدری نیز، در تحقیقی با عنوان «روش‌های اجتماعی تربیت کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه» به سلسله روش‌هایی اشاره کرده‌اند که منبع مطالعاتی آن‌ها افزون بر قرآن، کتاب شریف نهج البلاغه است (رمضان‌ی و حیدری، ۱۳۹۱) که البته عمومیت دارد.

اعرافی و ابراهیمی (۱۳۹۶)، در تحقیقی روش‌های زمینه‌ساز تربیت اجتماعی را نه بر محور

قرآن کریم که به صورت عام آن هم با رویکرد فقهی مورد بررسی قرار داده و در صدد کشف حکم فقهی به کارگیری روش‌های زمینه‌ساز تربیت اجتماعی برآمده‌اند. این تحقیق نیز برغم اهمیتی که در حوزه مطالعاتی خود دارد، با پژوهش حاضر همپوشی ندارد؛ زیرا از سویی تنها بر روش‌های زمینه‌ساز تربیت اجتماعی متمرکز است و از دیگر سو، به لحاظ منبع به غیر از قرآن کریم، به منابع دیگر نیز متکی است و در واقع، تحقیق بر محور کشف حکم فقهی روش‌های زمینه‌ساز تربیت اجتماعی، سامان داده شده است. چنانکه ملاحظه شد، مطالعه مستقل در باره روش‌های تربیت اجتماعی بر محور قرآن، انجام نشده و این موضوع، همچنان ظرفیت تحقیق جداگانه و واکاوی را دارد.

مفهوم‌شناسی

در این مجال از مفهوم «روش»، «تربیت»، «روش تربیت» و «تربیت اجتماعی» ابهام‌زدایی می‌شود که از مفاهیم اصلی این تحقیق به شمار می‌آیند. روشن شدن معانی این واژه‌ها در تعیین قلمرو موضوع مورد پژوهش کمک کرده و از برداشت‌های نادرست که منجر به نتایج نادرست یا تفسیرهای نادرست می‌شود، پیشگیری می‌کند.

۱. روش

واژه روش در فارسی به معنای طریقه، طرز، شیوه، اسلوب، سبک و راه می‌باشد (دهخدا، ج ۸، لغتنامه: ۱۲۳۷۸) و در عربی معادل کلمه «نهج»، «منهج»، «منهاج» و «طریق الواضح» است (ابن منظور ج ۱۴، همان: ۳۰۰) این واژه در انگلیسی، معادل کلمه «Method» و به معنای شیوه انجام یک عمل است. به طور کلی می‌توان گفت، روش عبارت است از مجموعه تلاش‌ها، فنون، وسائل و ابزاری که وصول به یک هدف را، ممکن و تسریع می‌کند و از برداشت‌های نادرست که منجر به نتایج نادرست یا تفسیرهای نادرست می‌شود، پیشگیری می‌کند. (ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ۲۴)

۲. تربیت

کلمه «تربیت» از ریشه «رب» در لغت، به معنای پروراندن یا پرورش دادن به فعلیت

رساندن نیروهای بالقوه، سوق دادن و رساندن متربی به سوی کمال است. (ابن منظور، ۱۴۳۵ق: کلمه رب) از مفهوم تربیت در اصطلاح، تعاریف مختلفی ارائه شده است: برخی تربیت را هدایت رشد جسمانی و روانی یا بطور کلی، هدایت رشد همه جانبه شخصیت پرورش یابندگان، در جهت کسب و درک معارف بشری و هنجارهای مورد پذیرش جامعه و نیز، کمک به شکوفا شدن استعدادهای آنان (سیف، ۱۳۸۴: ۲۸) تعریف کرده‌اند. در تعریف دیگر، گفته شده تربیت عبارت است از: هر گونه فعالیتی که معلمان، والدین یا هر شخصی به منظور اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار فردی دیگر، بر اساس اهداف از پیش تعیین شده انجام دهند. (داوودی، ۱۳۸۹: ۱۰) تعریف زیر را که تعریف جامعی به نظر می‌رسد، می‌توان به عنوان تعریف مختار از تربیت ارائه داد:

تربیت فرایند کمک و یاری رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گسترده زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر، به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا سازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتار اوست (اعرافی، ج ۱، ۱۳۸۷: ۲۸).

۳. روش تربیت

در حوزه تعلیم و تربیت، بحث‌های گوناگونی از روش تربیت مطرح شده، اما تعریف دقیق و مشخصی از آن ارائه نشده است. در مجموع می‌توان روش تربیتی را، شیوه بروز عمل یا فعالیت دانست که به منظور تأثیرگذاری بر متربی از مری صادر می‌شود (قائم‌مقدم، ۱۳۹۱: ۱۲ و ۱۳) به عبارت دیگر: روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، ناظر به انواع فعالیت‌های اختیاری مربیان است که می‌توانند آن‌ها را به اهداف تربیتی برسانند. (همان: ۴۵)

۴. تربیت اجتماعی

از مفهوم ترکیبی تربیت اجتماعی نیز، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. برخی اذعان کرده‌اند، تربیت اجتماعی فرایندی است که در جریان آن، فرد شیوه‌های رفتاری، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه و راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، ظرفیت‌های او را

در جهت انجام وظایف فردی به عنوان عضو جامعه توسعه می‌بخشد. (کوثن، ۱۳۸۴: ۱۰۳) با یک رویکرد اسلامی، تربیت اجتماعی را می‌توان اینگونه تعریف کرد: تربیت اجتماعی عبارت است از: به کارگیری روش‌های منسجم و هدفمند بر پایه مبانی، اهداف و اصول تربیتی برگرفته از آموزه‌های اسلام مربوط به این ساحت، به منظور تحقق اخلاق اجتماعی و برقراری مناسبات صحیح انسانی (جمعی از نویسندگان جامعه المصطفی ﷺ، ۱۳۹۷: ۹۹)

روش‌های تربیت اجتماعی در قرآن کریم

چنانکه در مقدمه پژوهش یادآوری شد، قرآن کریم به ابعاد و ساحات تربیت انسان و از جمله به تربیت اجتماعی توجه دارد. مفهوم تربیت اجتماعی در قرآن، یعنی کسب هویت و الگوی رفتاری در شیوه زندگی باتوجه به آموزه‌های فرهنگ قرآنی در قالب باورها، ارزش‌ها و هنجارها به گونه‌ای که جامعه بتواند بانهاده‌ها کردن آن‌ها در افراد، نظام اجتماعی سالم داشته باشد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۴۱۵). بنابراین، وقتی به مفهوم تربیت اجتماعی در قرآن اشاره می‌شود، منظور نهاده‌سازی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مطابق با آموزه‌های قرآنی و دستیابی به اخلاق اجتماعی است، به نحوی که فرد بتواند توانایی برقراری تعاملات سازنده و مثبت با دیگران را به‌دست آورد و در نهایت در مسیر کمال و بندگی خداوند حرکت کند.

در بحث از روش‌های تربیت نیز در نگاه کلان، از زوایای مختلف می‌توان موضوع را بررسی کرد. بنابر یک دسته‌بندی می‌توان، آن‌ها را به روش‌های عام و خاص تقسیم نمود. روش‌های عام، میان ساحات‌های مختلف تربیت مشترک است و روش‌های خاص، برخی از ساحات‌ها و ابعاد تربیت را پوشش می‌دهند. البته بسیاری از روش‌ها مشترک (عام) هستند، ولی می‌توان متناسب با اهداف مطرح در برخی ساحات‌های تربیت، - از جمله تربیت اجتماعی - بر برخی روش‌ها به طور خاص تأکید نمود. (اعرافی و ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۱۸). با نظر داشت این نکته، روش‌های تربیت اجتماعی در قرآن کریم نیز ممکن است با دیگر ساحات‌های تربیت، همپوشی داشته باشند، ولی هنگامی که این روش‌ها ناظر به ساحت اجتماعی انسان در نظر گرفته می‌شوند، همان روش‌های عام، صبغه اجتماعی به خود گرفته و متناسب با این ساحت خاص، در کانون توجه قرار می‌گیرند.

با یادآوری این نکته، روش‌های تربیت اجتماعی در قرآن کریم در این پژوهش، بر سه دسته ذیل، تقسیم می‌شوند:

(۱) روش‌های ارشادی در تربیت اجتماعی که بر محور رویکرد شناختی و ارائه بینش و دانش استوار است؛

(۲) روش‌های عاطفی در تربیت اجتماعی که بر محور عواطف استوار است؛

(۳) روش‌های رفتاری و عملکردی در تربیت اجتماعی که بر محور عمل و رفتار آشکار استوار است. در ادامه، به تناسب ظرفیت این نوشتار، این سه دسته روش و چگونگی استخراج آن‌ها از مبانی قرآنی، بررسی می‌شوند.

الف) روش‌های ارشادی

تربیت اجتماعی مانند دیگر ساحت‌های تربیتی، نیازمند به روش است و برخی از روش‌های تربیتی روش تعلیم و آموزش است که به صورت رسمی یا غیررسمی ایجاد بینش کرده و دانش لازم را فراهم می‌کنند. این دسته روش‌ها را می‌توان روش‌های ارشادی نام گذاشت. واژه «ارشاد» از «رشد» گرفته شده که به باور خلیل، یکی از لغت‌شناسان معتبر، ماده «رَشَدَ» به فتح عین، نقیض «غی» به معنای غور در فساد و به کسر عین نقیض گمراهی و ضلال است (فراهیدی، ۱۴۲۶ق: ۶/ ۲۴۲). ابن فارس، در مقایسه اصل این ماده را واحد دانسته که بر راه حق و هموار دلالت دارد (ابن فارس، ۲: ۴۰۴/ ۳۹۸).^۱ بنابر نقل مفردات، «رُشد» به ضم فاء، درباره امور دنیوی و اخروی است و «رَشَد» تنها در ارتباط با امور اخروی است (راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۵۴ و ۳۵۵).^۲ همچنین «رشد» به ضم به معنای صلاح دنیوی و به فتح صلاح در دین است (همان، ص ۲۵۰۴).^۳ در مجموع رشد در مقابل فساد و گمراهی، به معنای راهنمایی و هدایت به راه مستقیم و حق و همچنین صلاح امور دینی و اخروی است. و لذا، چنانکه مؤلف التحقیق معتقد است مفهوم رشد، هدایت در صلاح است

۱. ابن فارس، معجم مقانیس اللغة، ج ۲، ص ۳۹۸: رشد الرء و الشین و الدال أصل واحدٌ يدلُّ على استقامة الطريق.

۲. راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۳۵۴ و ۳۵۵.

۳. وقال أبو عبيد: فرق أبو عمرو بين الرُّشد فقال: الرُّشد، بالضم: الصلاح، والرَّشْد بالفتح: في الدين (همان، ص ۲۵۰۴).

(مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۳۹/۴)^۱.

چنانکه از معنای رشد استفاده می‌شود واژه ارشاد با توجه به استعمالات لغوی، اعم از تعلیم است و شامل اعلام نیز می‌شود. اعلام صرف خبر دادن است؛ اما تعلیم مفهوم وسیع‌تری از اعلام دارد. اعلام بیشتر در ارشاد به موضوعات تعبیر می‌شود؛ اما در احکام به تعلیم تعبیر شده است. معنای این واژه اعم از تعلیم و اعلام و آموزش است (هاشمی شاهرودی و همکاران، ۱۴۲۶ق: ۱۵۱/۳). به این ترتیب، در معارف دینی، مفاد ارشاد محدود به مفهوم خاصی نیست، بلکه به اقتضای مقام و موقعیت می‌تواند معانی مختلف بپذیرد؛ چنانکه وسیله رشد نیز اعم است و شامل گفتار و کردار خواهد بود. علاوه بر اینکه حیطه گسترده آن شامل تعلیم و تربیت نیز می‌شود (جواد ابراهیمی ۱۳۹۷: ۱۱۰).

با توجه به هسته معنایی رشد که در مقابل فساد و گمراهی به کار می‌رود و در بطن این واژه، معنای راهنمایی و هدایت به راه مستقیم و حق و همچنین صلاح امور دینی و اخروی، نهفته است، آموزش و اعطای بینشی که از رهگذر روش‌های ارشادی با درجات متفاوت آن (استدلال، اندرزهای نیکو و گفتگو و مناظره) انجام می‌شود، هماهنگ با مبانی تربیت اجتماعی بر محور قرآن است؛ زیرا ویژگی‌های تعقل و خردورزی، آموزش‌پذیری و برخورداری از فطرت در انسان، نیازمند روش‌هایی است که این دسته نیازها را هماهنگ و سازوار با فطرت او در ساحت اجتماعی انسان تأمین کنند و مربی آگاهی و رشد را در مسیر صلاح و کمال دنیا و آخرت کسب کند.

به روش‌های ارشادی که شامل روش‌های آموزشی و تدریسی است و ابزارهای یادگیری، مانند قلم، نوشتن، خواندن و شنیدن، در قرآن کریم اشاره شده است. خداوند به قلم و ابزارهای نوشتن قسم می‌خورد «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ» (قلم/ ۱) همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ؛ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ؛ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ؛ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ». (علق/ ۱-۴) همچنین در قرآن کریم، بهره‌گیری از حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن به عنوان روش‌های تربیت الهی و دعوت به سوی خداوند، معرفی شده است که تربیت اجتماعی نیز، زیر مجموعه

۱. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۱۳۹.

آن قرار می‌گیرد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ». (نحل/ ۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. در ادامه روش‌های سه‌گانه استدلال، اندرزهای نیکو و گفتگو و مناظره که بر روش‌های آگاهی بخشی و ارشادی استوارند، بررسی می‌شود.

۱. استدلال

روش استدلال که بر ویژگی عقلانیت و خردورزی انسان استوار است و در راستای شکوفایی این ظرفیت در ساحت تربیت اجتماعی فرد به کار گرفته می‌شود، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین روش‌های آموزش و پرورش، در قرآن کریم است. این روش، شامل استفاده از منطق، دلیل و برهان برای تبیین حقایق و ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی می‌شود. استدلال، به عنوان یک روش تربیتی، به فرد فرصت می‌دهد تا با استفاده از عقل و تفکر خود، به نتیجه‌گیری برسد و این موضوع به تقویت هوشیاری و آگاهی او در تعاملات اجتماعی، کمک می‌کند. در قرآن کریم از استدلال، به حکمت تعبیر شده است. حکمت به معنای علم و دانش و منطق و استدلال است. از آنجا که علم و دانش و منطق و استدلال، مانع از فساد و انحراف است، به آن حکمت گفته شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۱/ ۴۵۶) به هر حال، نخستین گام در تربیت و از جمله تربیت اجتماعی، روش استدلال کردن و بیان سخن منطقی و مستدل است. روش استدلال کردن در قرآن کریم در موضوعات مختلف اعتقادی، اجتماعی، خانوادگی و غیره قابل مشاهده است: در قصه‌های قرآنی از این نوع روش استدلالی بسیار مشاهده می‌شود؛ حضرت ابراهیم در مقابل مشرکین استدلال می‌کند و سپس می‌فرماید: «قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ؟» (انبیاء/ ۶۶) آیا شما معبودهای غیر خدا را می‌پرستید که نه کمترین سودی به حال شما دارند و نه کوچکترین ضرری؟». در سوره لقمان آیات ۱۲ تا ۱۹ هر مطلبی که در آیه مطرح شده، به دنبال آن خلاصه استدلال آن مطرح گردیده است. در آیه ۱۲ سوره آمده است که «و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و ناراحتی تازه‌ای را متحمل می‌شد)، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد؛ (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و

مادرت شکر بجا آور که بازگشت (همه شما) به سوی من است». چنانکه مشاهده می‌شود در قرآن کریم به روش استدلال و ارائه بصیرت و دانش در فرایند تربیت اجتماعی، توجه شده است. ویژگی‌های روش استدلال به عنوان یک روش تربیتی در ساحت تربیت اجتماعی، این است که به فرد اجازه می‌دهد با استفاده از منطق و دلیل به درک ارزش‌های اجتماعی بپردازد. همچنین در این روش، به جای تکیه بر دستورات سخت‌گیرانه، افراد به تفکر مستقل و بررسی مسائل تشویق می‌شوند. این موضوع، به تقویت هوشیاری و آگاهی اجتماعی کمک می‌کند. استدلال به افراد کمک می‌کند تا ارزش‌های اخلاقی مانند انصاف، بخشش، و تعامل مثبت را به صورت عمیق‌تر درک کنند. از دیگر سو، وقتی فرد با استفاده از استدلال به یک نتیجه می‌رسد، اعتماد به نفس و احساس مسئولیت او در تعاملات اجتماعی افزایش می‌یابد. در نهایت بهره‌گیری از استدلال، به تقویت روابط انسانی و ایجاد محیطی هماهنگ و متعادل کمک می‌کند. نتیجه آنکه به‌کارگیری روش استدلال در فرایند تربیت اجتماعی، باورهای نادرست و عادات غلط اجتماعی را نقد می‌کند و افراد جامعه را از تحجر و تعصب رها کرده و به سمت پذیرش حقایق بر پایه استدلال سوق می‌دهد. این روش، ابزاری برای کاهش تنش‌ها و ایجاد وفای اجتماعی نیز، تلقی می‌شود و احترام متقابل و همزیستی مسالمت‌آمیز را ترویج می‌دهد.

۲. اندرزهای نیکو

روش تربیتی اندرزهای نیکو (موعظه حسنه) که به منزله روش تربیت اجتماعی نیز، به کار گرفته می‌شود، به عنوان یکی از روش‌های مؤثر در تربیت انسان، خصوصاً در زمینه اصلاح رفتارها و ارتقاء اخلاق و مفاهیم اجتماعی، قابل طرح است. اندرزهای نیکو یا موعظه حسنه، یک اصطلاح قرآنی است «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل/ ۱۲۵) که به معنای ارشاد و هشدار دادن، با باریک‌بینی و هوشمندانه است. این روش، شامل تذکر به حقایق، توضیح عواقب اعمال نادرست و تشویق به انجام کارهای خوب است. در قرآن کریم، موعظه حسنه به عنوان یکی از بهترین روش‌های تربیتی معرفی شده است؛ زیرا این روش بر پایه عقل، منطق و ویژگی تأثیرپذیری انسان استوار است. روش اندرزهای نیکو از آن جهت در زیرمجموعه روش‌های ارشادی قرار می‌گیرد که ارائه مشورت و نصیحت نیکو به متربی، باعث

افزایش آگاهی و تحول رفتاری در او می‌شود. همچنین، تکیه بر اعطای علم و دانش همیشه در وجود انسان کارایی ندارد و گاهی اثر خود را از دست می‌دهد و رنگ می‌بازد و از این رو، رغبتی برای عمل در انسان بر نمی‌انگیزد؛ در این صورت، موعظه که گونه‌ای از ارشاد و یادآوری است، برای طراوت و شادابی دانش نافع است و در شنیدن و یادآوری تأثیری است که در دانستن نیست؛ به همین دلیل قرآن یادآوری را برای اهل ایمان نافع و اثر بخش می‌داند: «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (الذاریات/۵۵) و پیوسته تذکر ده؛ زیرا تذکر مؤمنان را سود می‌بخشد». پس در صورتی که به نافع بودن یادآوری، اطمینان دارید، یادآوری کنید: «فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى» (اعلی/۹) چنانکه قرآن کریم در جای دیگر، موعظه را با هدف یادآوری و خودآگاهی بیان کرده است «يُعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل/ ۹۰) بنابراین موعظه در اصل، نوعی خود آگاهی است و عنصر یادآوری در موعظه غفلت را می‌زداید و موجب رشد و کمال انسان می‌شود. (ر. ک: باقری نیا ۱۳۹۳: ۵۹)

لحاظ شدن ویژگی حسنه بودن در پند و اندرز، به این دلیل است که این روش بر پایه استدلال‌های منطقی و عقلانی استوار است و از توهین یا تحقیر استفاده نمی‌کند. به جای تمرکز بر خطاهای فرد، به تشویق او به انجام کارهای خوب و اصلاح رفتار می‌پردازد. همچنین در این روش، حقوق و ارزش شخصیت شنونده رعایت می‌شود و به نوعی با او به عنوان یک موجود مستقل و با ارزش تعامل می‌شود. (ر. ک: باقری نیا ۱۳۹۳: ۷۰ و ۷۱) بنابراین، اندرز در صورتی مؤثر می‌افتد که خالی از هر گونه خشونت، برتری جویی، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجباجت او و مانند آن بوده باشد، چه بسیارند اندرزهایی که اثر معکوسی می‌گذارند؛ چراکه در حضور دیگران و توأم با تحقیر انجام گرفته و یا از آن استشمام برتری جویی شده است. بنابراین، موعظه هنگامی اثر عمیق خود را می‌بخشد که حسنه باشد. نصیحت، به عنوان روش تربیتی وقتی تأثیر بهتر دارد که خیرخواهانه، دلسوزانه و آگاهانه باشد و به قصد کمک به مرتبی انجام گیرد. چنانکه لقمان حکیم در نصیحت به فرزندش چنین ویژگی‌هایی را داشته و می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَالِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان/۱۷) پسر! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از

منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبیا باش که این از کارهای مهم است». با توجه به ویژگی‌هایی که برای روش تربیتی اندرزهای نیکو گفته شد، این روش که در زیرمجموعه روش‌های ارشادی قرار می‌گیرد، می‌تواند کارکردهای متعددی در عرصه زندگی اجتماعی داشته باشد. در محیط خانواده، والدین می‌توانند از موعظه حسنه در تربیت فرزندان خود استفاده کنند تا بدون استفاده از توهین یا سختگیری، آن‌ها را به سمت رشد و اصلاح راهنمایی کنند. در مدارس و مراکز آموزشی و تربیتی نیز، معلمان و مربیان می‌توانند از این روش برای تقویت روحیه دانش‌آموزان و تشویق آن‌ها به تحصیل و رفتار خوب استفاده کنند. در سطح جامعه نیز متولیان امور، مسئولان و حتی افراد عادی می‌توانند از موعظه حسنه برای حل اختلافات، اصلاح رفتارها و ایجاد هماهنگی در جامعه بهره بگیرند.

۳. گفتگو و مناظره

روش دیگر از روش‌های تربیت اجتماعی که در زیرمجموعه روش‌های ارشادی قرار می‌گیرد، روش گفتگو و مناظره و یا به تعبیر قرآن، روش جدال احسن است «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/ ۱۲۵). روش مناظره (جدال احسن) که در فرایند تربیت به مواجهه و گفتگوی دوسویه و چند سویه افراد جامعه، اشاره دارد، در قرآن کریم به عنوان یک ابزار تربیتی و ارشادی برای ترویج حق، اصلاح جامعه، و تقویت تفکر نقادانه با رعایت اخلاق و احترام به کار می‌رود. این روش تربیتی که بر مبانی انسان‌شناختی عمیقی مانند کرامت ذاتی انسان، استوار است. قرآن کریم، انسان را موجودی با کرامت ذاتی می‌داند که حتی در اختلافات فکری و اعتقادی نیز، شایسته احترام است. همچنین ویژگی عقلانیت و توانایی تفکر انتقادی در انسان «فَدَبَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره/ ۲۴۲)، به جدال احسن، رویکرد معرفتی و منطقی اعطاء می‌کند. قرآن با توجه به ویژگی اجتماعی بودن انسان (حجرات/ ۱۳) جدال احسن را به عنوان روش تربیت اجتماعی و ابزاری برای تقویت این تعارف (شناخت متقابل) و ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز، معرفی می‌کند. در نهایت ویژگی هدایت‌پذیری انسان «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان/ ۳) ارشاد و هدایت او را، در گرو انتخاب آگاهانه می‌بیند.

قرآن کریم روش مناظره را، به منزله روش تربیت اجتماعی از روش‌های تربیتی انبیای الهی معرفی کرده است که پیامبران با افراد قومشان، به محاجه پرداخته و سعی در اثبات عقاید صحیح داشته‌اند؛ قرآن در سوره‌های مختلفی از این اقدام صریح پیامبران پرده برداشته و مناظره را روشی برای اعلان عقاید دو طرف و اثبات آرای صحیح اعلام کرده و در باب بهترین شیوه در گفت و گو و جدال از جدال به احسن یاد کرده است. نمونه‌هایی که به مناظره انبیای الهی اشاره کرده‌اند عبارت‌اند از: سوره بقره آیه ۲۵۸، حاوی محاجه ابراهیم با نمرو در باب بیرون آوردن خورشید از مغرب و سوره شعراء آیه‌های ۷۲ و ۷۳، درباره محاجه حضرت ابراهیم با مشرکان بر عدم سود یا زبان رسانی بت‌ها و سوره هود، آیه‌های ۶۲ - ۶۴ و سوره شعراء آیه‌های ۱۵۳ - ۱۵۶ و سوره نمل آیه‌های ۴۶ و ۴۷، درباره محاجه حضرت صالح با قومش بر سر ناقة و سوره یس آیه‌های ۷۷ - ۷۹، پیرامون گفتگوی پیامبر اکرم با یکی از مشرکان بر سر زنده کردن مردگان از طریق استخوان‌های پوسیده شان و سوره آل عمران آیه‌های ۵۹ - ۶۱، درباره گفتگوی مسیحیان نجران با پیامبر اکرم (ص) در باب بنده بودن حضرت عیسی (ع).

گفتگو و مناظره از منظر قرآن کریم باید احسن (جدال احسن) باشد. معنای گفتگو و مناظره احسن، آن است که بر گفتگو حق و عدالت و درستی و امانت و صدق و راستی حکومت کند و از هر گونه توهین و تحقیر و خلاف‌گویی و استکبار خالی باشد، بطور خلاصه تمام جنبه‌های انسانی آن حفظ شود (مکارم شیرازی ۱۳۹۴: ۴۵۶/۱۱).

با توجه به ویژگی‌های روش گفتگو و مناظره در قرآن کریم، کاربرد این روش در تربیت اجتماعی در سطوح مختلف می‌تواند کارآمدی داشته باشد؛ استفاده از این روش، در قالب گفتگوی بین ادیان باید با تکیه بر مشترکات اخلاقی و عقلانی باشد. چنانکه در آیه ۴۶ سوره مبارکه عنکبوت، با تکیه بر مشترکات اهل کتاب با مسلمانان توصیه به مناظره شده است: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»؛ با اهل کتاب جز به روشی که از همه نیکوتر است مجادله نکنید، مگر کسانی از آنان که ستم کردند و (به آن‌ها) بگویید: ما به تمام آنچه از سوی خدا بر ما و شما نازل شده ایمان آورده‌ایم، و معبود ما و شما یکی است، و ما در برابر او تسلیم هستیم!.

در حل اختلافات اجتماعی نیز! این گفتگوها باید با روش‌های غیرخسونت‌آمیز و مبتنی بر استدلال باشد: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه / ۴۴)؛ برای این که بتوانید در او نفوذ کنید و اثر بگذارید با سخن نرم با او سخن بگویید، شاید متذکر شود یا از خدا بترسد. آموزش مهارت‌های استدلالی و اخلاق مناظره، برای تربیت نسل جوان که در دوره جوشش عواطف و هیجانات زندگی می‌کنند، با هدف پیشگیری از نزاع‌ها و خسونت‌ها نیز، یکی از کاربردهای این روش تربیتی است. به هر روی، روش گفتگو و مناظره (جدال احسن) در قرآن، الگویی کامل برای تربیت اجتماعی است که همزمان به رشد عقلانی، اخلاقی و روحی افراد توجه دارد. این روش نه تنها به تقویت جامعه اسلامی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان یک الگوی جهانی برای گفتگوی سازنده و حل مسالمت‌آمیز اختلافات مورد استفاده قرار گیرد.

ب) روش‌های رفتاری تربیت اجتماعی

برخی از روش‌های تربیت اجتماعی بر محور رفتار، قابل تبیین است؛ روش ارائه سرمشق از طریق مشاهده، روش گفتار نیکو و روش برقراری ارتباط مؤثر، در این دسته روش‌ها قرار می‌گیرد که در ادامه بررسی می‌شود.

۱. ارائه سرمشق از طریق مشاهده

یکی از روش‌های تربیت از جمله تربیت اجتماعی در قرآن کریم، روش ارائه سرمشق از طریق مشاهده است؛ این روش بر مشاهده، الگوگیری و توجه و تقلید استوار است، انسان بسیاری از رفتارها و عادت‌های خود را در مرحله آغازین زندگی از همین طریق یاد می‌گیرد، کودک زبان‌آموزی، راه رفتن، غذا خوردن، و آداب اجتماعی را از طریق الگوگیری از بزرگترها می‌آموزد. به این ترتیب انسان بسیاری از عادت‌ها، و رفتارهای زیستی و اجتماعی را از طریق تقلید و مشاهده رفتار دیگران فرامی‌گیرد. روش تربیتی ارائه سرمشق از طریق مشاهده، به این دلیل که محتوای تربیت را به صورت عینی و عملی ارائه می‌دهد، در انتقال مفاهیم و آموزش برنامه‌های تربیتی بسیار مؤثر است. این روش بر ویژگی تأثیرپذیری انسان از محیط و گرایش او به تقلید مبتنی است.

در نظریه یادگیری اجتماعی (social learning theory) مهم‌ترین نوع یادگیری انسان، یادگیری مشاهده‌ای (Observational learning) است. به اعتقاد این دسته روانشناسان، اگر انسان قادر نبود در محیط اجتماعی از طریق مشاهده رفتار و اعمال دیگران به یادگیری بپردازد، زندگی او مختل می‌شد. زیرا در چنین حالتی، باید وقت و نیروی زیادی را صرف کسب دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های مختلف می‌کرد و چه بسا با اشتباهات بسیاری رو به رو می‌شد. اما خوشبختانه انسان بخش زیادی از دانش‌ها، مهارت‌ها و سایر یادگیری‌های را از راه مشاهده رفتار والدین، دوستان، معلمان، و نیز از طریق مشاهده پیامدهای رفتار آنان کسب می‌کند. یادگیری مشاهده‌ای، در واقع همان سرمشق‌گیری است که در اینجا تحت عنوان ارائه سرمشق از طریق مشاهده نامگذاری شده است (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۶۲). به بیان دیگر، در یادگیری مشاهده‌ای، یادگیرنده از طریق مشاهده رفتار دیگران (الگو) به یادگیری می‌پردازد (سیف، ۱۳۸۴: ۲۸) و با همانندسازی یا درون فکنی کردن تأثیرات محیطی و الگوهای اجتماعی، فرد کاملاً نقش دیگری را پذیرفته و خود را بدل و جانشین او قرار می‌دهد و یادگیرنده در غیاب یاددهنده، نقش او را ایفا می‌کند (عباس‌نژاد؛ ۱۳۸۴: ۳۰۷).

در قرآن کریم، به نمونه‌هایی از مشاهده رفتار دیگران و یادگیری اشاره شده است؛ آن جایی که داستان قابیل را نقل می‌کند که برادرش هابیل را کشت، اما نمی‌دانست که با جسد برادرش چه کار کند، در اینجا خداوند کلاغی فرستاد که مشغول کندن زمین شد تا کلاغ مرده‌ای را دفن کند. قابیل از کلاغ آموخت که چگونه جسد برادرش را پنهان کند (مائده/۳۱).

مثال عینی‌تر ارائه سرمشق از طریق مشاهده در حوزه تربیت اجتماعی، رفتار حضرت ابراهیم (ع)، با مشرکان و بت‌پرستان است. خداوند متعال، رفتار حضرت ابراهیم را اینگونه به تصویر می‌کشد: «فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ» (انبیاء/۵۸)؛ پس [بت‌ها] را همگی خرد کرد، جز بت بزرگشان را، تا شاید به سوی او بازگردند». بر اساس مفاد این آیه، حضرت ابراهیم (ع) با یک برنامه از پیش تعیین شده، بت‌ها را می‌شکند و تنها بت بزرگ را باقی می‌گذارد. این عمل غیرمنتظره، توجه قوم را به بی‌فایده بودن پرستش بت‌ها جلب می‌کند. او از این روش، برای ایجاد سؤال و تأمل در ذهن مردم استفاده می‌کند تا رفتارشان را زیر سؤال ببرند.

حضرت ابراهیم پس از آنکه با این رفتار در ذهن مردم پرسش ایجاد می‌کند، با بهره‌گیری از این فرصت، منطق خود را توضیح می‌دهد: «اتَّعْبُدُونَ مَا تَشْحُتُونَ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ؛ (انبیاء/ ۶۶-۶۷) آیا چیزهایی را می‌پرستید که خود می‌تراشید، در حالی که خداوند شما و آنچه می‌سازید را آفریده است؟!». این گفتگو مردم را وادار می‌کند تا رفتار خود را بازبینی کنند. این رویداد (ارائه سرمشق) با هدف تغییر ارزش‌های یک جامعه انجام می‌شود و نشان‌دهنده این مطلب است که برای تغییر، ایجاد یا تقویت نگرش‌ها و رفتارهای افراد جامعه می‌توان از این روش تربیتی، استفاده کرد.

با این وجود در قرآن کریم، از پیروی بدون دلیل و اطاعت جاهلانه که منجر به گمراهی شود، مذمت شده است و قرآن کریم بدترین جنبندگان روی زمین را کسانی می‌داند که عقل خود را به کار نمی‌گیرند و گوش‌شان از شنیدن حق ناتوان و زبان‌شان برای حقیقت گویا نیست: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ» (انفال/ ۲۲). بنابراین برغم اهمیت روش ارائه سرمشق از طریق مشاهده، در تربیت اجتماعی باید به آسیب‌های این روش نیز توجه نمود تا با این نوع یادگیری متری در دام پیروی بدون دلیل و اطاعت کورکورانه سقوط نکنند.

۲. الگوگیری از گروه مرجع

همانگونه که در روش قبلی یادآوری شد، تربیت به روش الگو سازی، روشی کارآمد در تمام ساحات تربیتی، از جمله ساحت تربیت اجتماعی به شمار می‌آید. در این دسته روش‌ها مربی می‌کوشد نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متری قرار دهد و بدین گونه موقعیت اجتماعی او را دگرگون کند تا او به پیروی بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه در خویش پدید آورد. یکی از اقسام روش الگویی در تربیت، الگوگیری از گروه مرجع است. در این روش تربیتی، فرد سعی می‌کند با شخص یا اشخاصی که به نظرش شخصیتی قابل قبول دارند (گروه مرجع) از طریق مشاهده، تقلید و همانندسازی، هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای اجتماعی را بگیرند و نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص را، برای خود سرمشق قرار دهد.

در روش الگوگیری به طور عام و الگوگیری از گروه مرجع، مراحل زیر طی می‌شود:

۱. مرحله توجه: اگر رویدادهای مورد مشاهده دارای ویژگیهای هم چون برجستگی، جذابیت، پیچیدگی، عمومیت، و ارزش کارکردی باشد، مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد.
۲. به یاد سپاری: شامل رمز گردانی، سازمان شناختی، مرور شناختی، مرور عملی
۳. باز آفرینی: بازنمایی شناختی، مشاهده‌ی اجرای عمل، اطلاعات بازخوردی و جور کردن مفهومی.

۴. انگیزشی: مشوق‌های بیرونی، حسی، عینی، اجتماعی، کنترلی، مشوق‌های جانشینی و مشوق‌های شخصی (ر. ک: سیف ۱۳۸۴: ۲۸۵-۲۸۹).

گروه‌های مرجع می‌توانند شامل خانواده، دوستان، معلمان، شخصیت‌های مذهبی، نخبگان علمی یا گروه‌های اجتماعی خاص باشند. در قرآن کریم، خداوند متعال، شخص رسول الله (ص) را به عنوان الگو و مرجع معرفی می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ؛ (احزاب/ ۲۱) قطعا برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست». این آیه شریفه به این نکته تأکید دارد که اخلاق، رفتار، روابط اجتماعی و مدیریت زندگی او برای تمام انسان‌ها الگو است. این نشان می‌دهد که در تربیت اجتماعی، انتخاب یک الگوی صحیح و اخلاقی بسیار مهم است.

واژه «اسوه» در لغت به معنای سرمشق و پیشوا (ابن منظور ۱۴۰۲ق: ۱/ ۱۴۷) و حالت و روشی شایسته پیروی آمده است (مصطفوی ۱۴۳۵: ۱/ ۹۰۹۱). در قرآن کریم این تعبیر، درباره حضرت ابراهیم و یاران او نیز به کاررفته است: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه/ ۴) و «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (ممتحنه/ ۶). بنابراین در فرهنگ قرآنی هر فرد و گروهی که دارای صفات و ویژگی‌های، معنوی، رفتاری و اخلاقی همانند رسول خدا (ص) و حضرت ابراهیم (ع) و یاران آنها باشند، می‌توانند شایسته الگوگیری باشند. شخص رسول خدا، پیامبران و هرکسی که خداوند از آنها در قرآن به نیکی نام برده است، می‌توانند الگو و مرجع باشد.

به هرروی، روش تربیتی الگوگیری از گروه مرجع در ساحت تربیت اجتماعی می‌تواند به

مثابه انتقال دهنده ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی عمل کند؛ به این ترتیب که گروه‌های مرجع به عنوان حاملان فرهنگ عمل می‌کنند و رفتارهای مطلوب جامعه مانند احترام، مسئولیت‌پذیری یا عدالت را به افراد آموزش می‌دهند. برای مثال، در قرآن کریم اصحاب پیامبر (ص) به عنوان گروه مرجع، کسانی معرفی شده‌اند که ارزش‌هایی مانند ایثار («وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ» (حشر/ ۹)) و برادری دینی را ترویج می‌کردند. همچنین گروه‌های مرجع پیشرو (مانند مصلحان اجتماعی)، به افراد کمک می‌کنند با تحولات جامعه هماهنگ شوند. برای مثال، حضرت ابراهیم (ع) و اصحاب او به عنوان الگویی برای نوآوری در تفکر و مبارزه با سنت‌های غلط معرفی می‌شوند (انبیاء/ ۵۱-۷۲). افراد با الگوگیری از گروه مرجع، هویت جمعی خود را (مانند هویت اسلامی) تعریف می‌کنند. برای مثال قرآن امت اسلامی را به الگوگیری از امت وسط (بقره/ ۱۴۳) دعوت می‌کند تا هویت متعادل و مبتنی بر توحید را شکل دهند. اشتراک در الگوگیری از یک گروه مرجع (مانند امت پیامبر)، احساس تعلق جمعی را افزایش می‌دهد که موجب تقویت همبستگی و وحدت اجتماعی می‌شود؛ به همین دلیل، قرآن مؤمنان را به الگوگیری از اخوت اسلامی («إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/ ۱۰)) فرا می‌خواند. از زاویه دیگر، گروه‌های مرجع مثبت، افراد را از پیوستن به گروه‌های منفی (مانند بزهکاران) باز می‌دارند و از انحرافات اجتماعی پیشگیری می‌کنند. برای مثال، قرآن سرنوشت انسان‌های غیرمومن را (حشر/ ۲) به عنوان الگوهای منفی مطرح می‌کند تا جامعه از رفتارهای آنان پرهیز کنند و از سرنوشت آن‌ها عبرت بگیرند. در نتیجه، از این روش تربیتی برای جامعه‌پذیری افراد از جنبه‌های گوناگون می‌توان بهره‌برد.

۳. برقراری ارتباط مؤثر

در زندگی اجتماعی افراد خواسته یا نخواست، همواره در حال برقراری ارتباط با دیگران است. همه اعمال ما اعم از حرف زدن، تکان دادن سر، روی برگرداندن، اشارات چشمی یا بدنی و حتی سکوت، می‌توانند پیامی را به دنبال داشته و در برگیرنده‌ی انواع ارتباط و تعامل با دیگران باشند. از طرف دیگر، انسان برای برآورده ساختن نیازهای خود ناگزیر از برقراری ارتباط

با اطرافیان است. اما ارتباطات زمانی کارآمد و مؤثر خواهند بود که به شیوه مثبت و سازنده برقرار شوند و در غیر این صورت، درد سر آفرین خواهند شد. افراد برای کلیه فعالیت‌های اجتماعی اعم از دوست‌یابی، ازدواج، اشتغال، برطرف ساختن نیازهای روزانه و... نیازمند برقراری ارتباط مؤثر با دیگرانند و اگر این مهارت را به خوبی نیاموخته باشند، اغلب فعالیت‌های اجتماعی بر وفق مراد پیش نخواهد رفت. کسانی که از این توانایی برخوردار نیستند، دوستان اندکی داشته و شبکه اجتماعی و حمایتی محدودی دارند. دستیابی به پیوندهای اجتماعی و به دنبال آن احساس امنیت، آرامش، اهمیت و احترام، نیازمند برخورداری از توانایی برقراری ارتباط مؤثر با دیگران است (شعبانی، ۱۳۹۰: ۱۴).

روش تربیتی برقراری ارتباط مؤثر که بر ویژگی اجتماعی بودن انسان و تأثیرگذار و تأثیرپذیر بودن او استوار است، شیوه‌ای است که از طریق گفتگو، همدلی، احترام متقابل و انتقال مفاهیم با زبان متناسب، به شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی کمک می‌کند. ارتباط مؤثر به معنای ارتباطی است که شخص را در رسیدن به هدف کمک کند. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، شیوه‌های ارتباطی سالم و مؤثر را برای تعامل با انسان‌ها آموزش می‌دهد و در فرایند تربیت اجتماعی روی این روش تأکید دارد. در ارتباط‌های کلامی، بر بهره‌گیری از زبان نرم و منطق استوار در انتقال مفاهیم تأکید می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل/ ۱۲۵). قرآن برای همدلی و درک احساسات مخاطب، به پیامبر (ص) دستور می‌دهد با مردم همراهی کند تا اعتماد آنان جلب شود: «فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/ ۱۵۹) به برکت رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و مهربان شدی؛ اگر خشن و سنگدل بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند». قرآن کریم، در بیان دیگر، مؤمنان را به رابطه سالم و مؤثر دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران/ ۲۰۰). از کلمه «رابطوا» استفاده می‌شود که ارتباط سالم مورد تأکید قرآن کریم است و به عنوان یک روش تربیت اجتماعی مد نظر است. (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۴۴). قرآن کریم سفارش کرده است که با مردم با مردم به نیکی سخن بگویید (بقره/ ۸۳) و سلام کردن یکی از مصادق بارز سخن نیکوست.

سلام نشانه‌ای ارتباط سالم اجتماعی است با ابراز عواطف قلبی بیان می‌شود، گویایی آرزوی سلامتی برای مخاطب است، «سلام» سخن بشارت دهنده خداوند برای نوح، برای ابراهیم، برای موسی و هارون، برای تمام پیامبران و برای متقین است که گروه گروه وارد بهشت می‌شوند. (صافات/ ۷۹، ۱۰۹، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۸۱) «سلام» واژه پاک بهشتی از طرف خداوند برای اهل بهشت است (یس/ ۵۸). بنابراین، با توجه به اینکه «سلام» در کنار «رب» و «رحیم» آمده است نشان می‌دهد که مثبت‌اندیشی، و ابراز عواطف انسانی، در قالب ساختار جملات نیکو روابط انسانی در جامعه را بهبود می‌بخشد.

قرآن کریم، زبان گفتاری حضرت یعقوب و حضرت لقمان را بیان می‌کند. این گفتگوها حاوی تکریم شخصیت پیام گیرنده است؛ وقتی لقمان حکیم (ع) به فرزندش نصیحت می‌کند با واژه «یا بُنَّی»^۱ خطاب می‌کند و همین‌طور حضرت یعقوب (ع) به حضرت یوسف (ع) با کلمه ی «یا بُنَّی» خطاب می‌کند.^۲ این نوع خطاب، علاوه بر این که به احترام کردن و تکریم شخصیت فرد توجه دارد، بار عاطفی و احساسی نیز دارد که از مصادیق بارز برقراری ارتباط مؤثر است. در نتیجه، می‌توان گفت روش تربیتی برقراری ارتباط مؤثر در قرآن کریم، بر پایه احترام، حکمت و همدلی استوار است و هدف آن ایجاد جامعه‌ای است که در آن عدالت، صلح و مسئولیت‌پذیری نهادینه شده باشد. این روش نه تنها برای انتقال مفاهیم دینی، بلکه برای حل چالش‌های پیچیده اجتماعی در جهان امروز نیز کاربرد دارد. قرآن با ترکیب منطق، عاطفه و اخلاق، الگویی جامع برای ارتباطات انسانی ارائه می‌دهد که در هر زمان و مکان قابل اجراست.

ج) روش‌های عاطفی تربیت اجتماعی

در قرآن کریم که منبع جامع برای هدایت و تربیت انسان است، برای تحقق تربیت اجتماعی، افزون بر روش‌های ارشادی و رفتاری، بر روش‌های عاطفی تربیت اجتماعی نیز تأکید شده است. در ادامه به دو روش از روش‌های عاطفی تربیت اجتماعی با عنوان روش

۱. «وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَّی لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِیْمٌ». لقمان آیه ۱۳.

۲. «إِذْ قَالَ یُوسُفُ لِأَبْنِهِ يَا أَبَتِ إِنِّی رَأِیتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأِیتُهُمْ لِی سَاجِدِیْنَ قَالَ يَا بُنَّی لَا تَقْصُصْ رُؤْیَاكَ عَلٰی إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّیْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ» (سوره یوسف آیات ۴-۵).

مهرورزی و همدلی، اشاره می‌شود.

۱. مهرورزی

یکی از روش‌های تربیت اجتماعی که در زیرمجموعه روش عاطفی قرار می‌گیرد، روش مهرورزی است. استفاده از مهارت مهرورزی در تربیت اجتماعی، مخصوصاً در نهاد خانواده و مراکز آموزشی بسیار مهم است. خود این احساس مهرورزی در صورتی که به جا و درست استفاده گردد، از ارزش‌های انسانی، اخلاقی و الهی است. در نگاه قرآنی، مهرورزی از رحمت الهی سرچشمه گرفته است؛ رحمتی که همه جا را فرا گرفته است: «پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فراگرفته است» (غافر/۷) از این رو، رفتار خداوند هم با بندگان برپایه ای رحمت استوار است؛ «كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» (انعام/۱۲). از طرف دیگر پیامبرانی را که برای هدایت و تربیت فرستاده است، بسیار مهربان و مأمور به مهرورزی بوده‌اند؛ «فِيمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَئِنْ لَّهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (انعام/۱۵۹) به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آن‌ها را ببخش و برای آن‌ها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد». بنابراین پیامبران مربیانی هستند که از روش مهرورزی در ابعاد مختلف تربیت انسان استفاده می‌کنند.

روش مهرورزی که بر فطرت انسان و یژگی عاطفی بودن انسان استوار است، به احساس عمیق، علاقه‌ای لطیف و یا جاذبه‌ای شدید گفته می‌شود که بین موجودات زنده از جمله در میان انسان‌ها دیده می‌شود. مهر، یک حالت عاطفی است که اساس روابط انسان‌ها در زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد (فرهادیان ۱۳۷۲: ۲۵). مهرورزی، یک حالت عاطفی و قلبی است که باید آشکار شود؛ زیرا تا زمانی که ابراز نگردد، گیرنده، متوجه آن نخواهد شد. خداوند متعال، به عنوان سرچشمه مهرورزی، که تمام مهرورزی‌های جهان هستی بازتابی از رحمت اوست

«رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف/ ۱۵۶)) به رسولش دستور داده که محبت خدای متعال را نسبت به بندگان اعلام کند (حجر/ ۴۹). و مؤمنان باید به گسترش محبت و مهرورزی در جامعه تلاش کنند: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟» (نور/ ۲۲) ببخشایند و چشم ببوشند؛ آیا دوست ندارید خداوند شما را ببخشد». رسول خدا نیز که خود الگوی کامل مهربانی نسبت به مومنان است («بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ»؛ (توبه/ ۱۲۸)) بیان می‌کند که «هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت، این دوستی را به او اعلان و آشکار کند، این کار برای دوستی و رابطه بین شما بهتر است» (خرمشاهی و همکاران ۱۳۷۶: ۷۰۶). حضرت امام رضا (ع) نیز در بیانی فرمود: «اگر نسبت به کسی مهر دارید آن را آشکار کنید، زیرا اظهار دوستی نیمی از خردمندی به‌شمار می‌آید (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۴۳).

به هرروی، رویکرد قرآنی در روابط و تعاملات اجتماعی، رویکرد مهرورزانه است و مهرورزی به منزله یکی از روش‌های تربیتی، در فرایند تربیت اجتماعی کارکردهای مهم و تعیین‌کننده دارد. مهرورزی، به تقویت همبستگی و همسویی افراد جامعه کمک می‌کند و دشمنی‌ها را به دوستی تبدیل می‌کند («رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/ ۲۹)). قرآن با تأکید بر عفو و گذشت که از نتایج روابط مهرورزانه است، جامعه را به سمت صلح و دوستی سوق می‌دهد: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ (مائده/ ۱۳) پس ببخشای و چشم‌پوشی کن، زیرا خداوند نیکوکاران را دوست دارد». از زاویه دیگر، نگاه انسان‌دوستانه و مهرورزانه به اقشار محروم جامعه که یک نگاه قرآنی است، عدالت اقتصادی را در جامعه گسترش می‌دهد: «وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ»؛ (بقره/ ۲۷۷) مال خود را با وجود دوست داشتنش، به خویشاوندان، یتیمان و نیازمندان بدهد». در نهایت، با روش تربیتی مهرورزی که یک روش قرآنی است، ریشه‌های خشونت و افراطی‌گری خشکانده شده و از نفرت و کینه‌ورزی پیشگیری می‌شود. در نتیجه، بر پایه روش تربیتی مهرورزی، در نهادهای اجتماعی مخصوصاً در نهادهای آموزشی و خانواده، پیوند عاطفی خاص؛ یعنی مهر و محبت و مودت و رحمت بین اعضا باید شکل بگیرد؛ زیرا مهرورزی روابط اجتماعی را استحکام می‌بخشد. رأفت قلب، نرمی و ملائمت، عامل جذب بیشتر در گرد شمع وجود مریبان می‌شود، از طرف دیگر

خشونت، تند خویی، پرخاش و بدرفتاری، عامل دفع و پراگندگی و فرار آنان از محیط و فضای تربیتی می‌گردد. از این رو، برای تحقق تربیت اجتماعی، شایسته است مربیان، معلمان و والدین، نسبت به دانش آموزان و متربیان، رفتار مهرورزانه داشته باشند.

۲. همدلی کردن

یکی از روش‌های عاطفی تربیت اجتماعی، مهارت همدلی کردن است. همدلی، نوع خاصی از توجه داشتن به دیدگاه دیگری است. درواقع، همدلی دو جزء شناختی و یک جزء عاطفی دارد. اجزای شناختی همدلی عبارتند از: توانایی در شناسایی و نامگذاری حالات دیگران و توانایی در حدس زدن دیدگاه اشخاص دیگر؛ و جزء عاطفی آن عبارت است از توانایی در نشان دادن پاسخ عاطفی مناسب، به منظور برقراری روابط همدلانه. فرد باید بتواند خود را به جای دیگران بگذارد، امور را از دیدگاه آن‌ها ببیند و از خود بیرسد اگر من به جای او و در شرایط او بودم، چه احساسی داشتم؟ شرایط لازم برای انجام چنین کاری خودآگاهی است. به بیان دیگر، همدلی به معنای توانایی درک و احساس کردن وضعیت عاطفی دیگران است و می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر در تقویت روابط اجتماعی و کاهش تعصبات عمل کند. تحقیقات نشان می‌دهد که افرادی که دارای سطح بالاتری از همدلی هستند، معمولاً روابط بهتری با دیگران برقرار می‌کنند و کمتر دچار تعصبات و استرس می‌شوند. به عنوان مثال، در محیط‌های کاری، همدلی می‌تواند به بهبود همکاری و کاهش تنش‌های شغلی کمک کند. همدلی به عنوان توانایی درک و احساس وضعیت عاطفی دیگران تعریف می‌شود. بنابراین، این مفهوم شامل دو بعد اصلی است: الف) همدلی عاطفی: توانایی درک و احساس عواطف دیگران، که به فرد کمک می‌کند تا به احساسات دیگران پاسخ دهد. ب) همدلی شناختی: توانایی درک دیدگاه‌ها و افکار دیگران، که به فرد این امکان را می‌دهد تا از منظر دیگران به مسائل نگاه کند (مقدم و مرادی عباس آبادی ۱۴۰۳: ۱۴۲). برای این که افراد در جامعه بتوانند مشکلات و خواسته‌های همدیگر را درک کنند و به همدلی برسند، لازم است گام‌های زیر را طی کنند:

- از پیش داوری و قضاوت نسبت به رفتار یکدیگر اجتناب شود؛

- خود را در جایگاه فرد مقابل قرار داده و از منظر و نگاه او به مسأله نگاه کند؛
 - صبری، مدارا، قدرت تحمل، بردباری و ظرفیت‌های روانی خود را افزایش دهد؛
 - برای رشد شخصیت خود تلاش کند زیرا یک انسان رشد یافته توان همدلی بیشتر دارد؛
 - داشتن دل بی‌کینه، نداشتن حسد، کبر، غرور و طمع از گام‌های مهم در در رشد همدلی است؛
 - اگر فرد بخواهد با اعضای خانواده همدلی داشته باشد، لازم است دیگران را دوست داشته باشد؛
 - «همدلی» زمانی مهم تلقی می‌شود که افراد با برخی از مهارت‌های میان فردی، نظیر ابراز دوستی، و دوست‌یابی، دفع تعارض دیگران کاملاً آشنا شوند و ضوابط و خواسته‌های اجتماعی در مورد احساسات مقبول در موقعیت‌های خاص را درک کنند (ر. ک: مقدم و مرادی عباس آبادی ۱۴۰۳: ص ۱۴۶).

با ویژگی‌هایی که برای روش همدلی کردن بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که همدلی، یعنی از دریچه قلب مخاطب به مسئله نگاه کردن، همان گونه که او حس می‌کند، حس کردن و در نهایت به یک حس مشترک رسیدن است. همدلی یعنی همانگونه که دیگری می‌فهمد، احساس می‌کند، ما هم بفهمیم و احساس کنیم. همدلی در دل مهارت خودآگاهی قرار دارد و هسته اصلی مهارت ارتباطی در تربیت اجتماعی است.

در قرآن کریم، به روش تربیتی همدلی کردن توجه شده است: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/ ۱۰) این آیه مسلمانان را تشویق می‌کند تا بین خود اصلاح و آشتی کنند؛ زیرا همه مؤمنان به منزله برادر یکدیگر هستند. درک دیگران به منزله برادر، تأکیدی بر اهمیت همدلی و ارتباط مثبت بین افراد است. این نوع همدلی، شکاف‌های طبقاتی و قومی را کاهش می‌دهد و همبستگی را تقویت می‌کند. همدلی، انگیزه کمک به نیازمندان را افزایش می‌دهد: «وَأَتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ...» (بقره/ ۱۷۷) که نه تنها فقر را کاهش می‌دهد، بلکه محبت عمومی را نیز گسترش می‌دهد. همدلی انصار با مهاجران در مدینه که در سوره حشر گزارش شده، نمونه‌ای عینی از جامعه‌ای است که محور روابط آن‌ها بر همدلی است: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحْجَبُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنَهُ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر/

۹؛ و برای کسانی است که در این سرا [سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده‌اند رستگارانند!». در نتیجه می‌توان گفت، همدلی از منظر قرآن، تنها یک احساس نیست، بلکه سبک زندگی مبتنی بر ایمان است که انسان را از خودبینی به سمت دیگربینی (خود را در دیگران دیدن) و در نهایت به سمت خدایینی، سوق می‌دهد. اگر جامعه‌ای بر محور همدلی شکل بگیرد، جامعه‌ای خواهد بود که در آن عدالت، احسان، تعاون، محبت و وحدت جایگزین ظلم، بی‌تفاوتی، نفرت و تفرقه می‌شود. بنابراین، برای تقویت بنیان‌های جامعه سالم و ایمن، باید از روش همدلی استفاده کرد. به ویژه به کارگیری این روش تربیتی در خانواده و مراکز آموزشی که نسل آینده جامعه در آن‌ها تربیت می‌شوند، از اهتمام خاصی برخوردار است.

در نتیجه، شناخت و تشخیص احساس دیگران در جامعه و خانواده، درک تفاوت برداشت خود با دیگران و توانایی تجربه کردن و آگاه شدن از عواطف خود، جزئی از روش تربیتی همدلی کردن در فرایند تربیت اجتماعی است. روش تربیتی همدلی کردن که در نگاه قرآنی بر پایه صداقت و ایمان استوار است و شائبه سوء استفاده در آن منتفی است، یکی از بهترین روش‌های تربیت اجتماعی است که عدالت، احسان، تعاون، محبت و وحدت را در جامعه نهادینه می‌کند و افراد سالم، دلسوز و مسولیت‌پذیر تحول جامعه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم در فرایند تربیت اجتماعی، به روش‌های ارشادی، عاطفی و رفتاری تمرکز کرده است که بر پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی قرآنی، نظیر فطرت، کرامت، عقلانیت، معرفت‌پذیری، تاثیرگذاری و تاثیرپذیری و...، مبتنی است. این دسته روش‌ها ابزاری کلیدی برای ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عقلانیت، تعاون، همدلی و وحدت، به شمار می‌آیند. برای پاسخ به پرسش اصلی تحقیق که: قرآن کریم برای تربیت اجتماعی انسان چه روش‌هایی را ارائه می‌دهد؟ آیات

مختلف قرآن کریم، بررسی و تحلیل شد و در نهایت، سه دسته روش در حوزه تربیت اجتماعی، کشف و شناسایی شد:

۱. روش‌های ارشادی مانند استدلال، اندرز نیکو و گفتگو، که بر تقویت بینش، دانش و تفکر انتقادی تأکید دارند. قرآن با ارائه استدلال‌های منطقی در سرگذشت پیامبران و دعوت به تدبیر، افراد جامعه را به عقلانیت و منطق گفتگو دعوت می‌کند و در بعد سلبی با این روشها آن‌ها را از تحجر و خرافات و عصبیت‌های جاهلانه، رهایی می‌بخشد.

۲. روش‌های رفتاری، مانند ارائه سرمشق، الگوگیری از گروه مرجع و برقراری ارتباط مؤثر، بر عملکرد عینی و مشاهده‌پذیر استوارند. قرآن با معرفی الگوهای همچون پیامبران و مؤمنانِ ایثارگر، هنجارهای اجتماعی مبتنی بر عدالت، تعاون، نوع دوستی و مسئولیت‌پذیری را نهادینه می‌کند.

۳. روش‌های عاطفی مانند مهرورزی و همدلی، که با تحکیم پیوندهای انسانی، جامعه را به سمت، اخوت، صلح، تعاون و وحدت سوق می‌دهند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این سه دسته روش، مثلثی کامل از تربیت اجتماعی را شکل می‌دهند که نه تنها در راستای تربیت فردی، بلکه با هدف تحول ساختارهای اجتماعی طراحی شده‌اند. قرآن با ترکیب عقلانیت، عاطفه و عمل، الگویی جامع ارائه می‌کند که هم به رشد فردی توجه دارد و هم به اصلاح روابط جمعی می‌پردازد. بهره‌گیری از این روش‌ها در نهادهای خانواده، آموزش و جامعه، موجب تقویت هویت اسلامی، کاهش نابهنجاری‌ها و گسترش اخلاق اجتماعی می‌شود. در جهان امروز که چالش‌هایی مانند تعصبات، خشونت، افراط‌گرایی و فردگرایی رو به فزونی است، آموزه‌های قرآنی می‌توانند به عنوان راهکاری جهانی، زمینه‌ساز جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، احسان و همزیستی مسالمت‌آمیز باشند. بنابراین، تبیین و اجرای این روش‌ها نه تنها نیاز جوامع اسلامی، بلکه گامی ضروری برای تعالی بشریت در عصر حاضر است.

فهرست منابع

* قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی.

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۲. ابن منظور، فضل بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دارالعلم، ۱۴۳۵ق.
۳. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مرکز النشر مکتب الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۴. اعرافی، علیرضا، ابراهیمی، جواد، «*روش های زمینه ساز تربیت اجتماعی فرزندان؛ حکم فقهی*»، دو فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات فقه تربیتی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۵. بابایی احمد علی، *برگزیده تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
۶. بارون رابرت و همکاران، *روانشناسی اجتماعی* (ویراست یازدهم)، یوسف کریمی، تهران: روان، ۱۳۸۸.
۷. باقری نیا، حسن، «*روش های موعظه؛ چالش ها و آسیب ها با تأکید بر آموزه های قرآنی*»، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۶، بهار ۱۳۹۳.
۸. بروس کوئن، *مبانی جامعه شناسی*، غلام علی توسلی، سمت، ۱۳۷۲.
۹. باقری خسرو، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران: مدرسه، ۱۳۸۹.
۱۰. جمعی از نویسندگان، *درآمدی بر نظام نامه تربیتی المصطفی (ص)*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر، ۱۳۹۷.
۱۱. حرانی، (ابن شعبه)، *تحف العقول عن آل الرسول*، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۲. حسنی عباس، پایان نامه، *راهکارهای قرآن در تربیت جامعه از منظر صاحب المیزان و المنار*، قم: جامعه المصطفی (ص)، ۱۳۹۱.
۱۳. خاوری، معصومه، *تربیت اجتماعی در قرآن*، قم: نشر المصطفی (ص)، ۱۳۹۵.
۱۴. خرمشاهی، بهاءالدین و مسعود انصاری، *پیام پیامبر: مجموعه ای از نامه ها، خطبه ها، وصایا، دعاها، تمثیل ها و سخنان جامع و فراگیر حضرت محمد (ص)*، تهران: جامی، ۱۳۷۶.
۱۵. داودی محمد، *سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سمت، ۱۳۸۹.

۱۶. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه*، تهران: روزنه، ۱۳۷۳.
۱۷. رمضان، فاطمه، حیدری، مسعود، «*روشهای اجتماعی تربیت کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه*»، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال نهم، دوره دوم، شماره ۶ (پیاپی ۳۳)، تابستان ۱۳۹۱.
۱۸. ساروخانی، باقر، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.
۱۹. سعید بهشتی، محمدعلی افخمی اردکانی، «*تبیین مبانی و اصول تربیت اجتماعی در نهج البلاغه*»، تربیت اسلامی سال دوم، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۶.
۲۰. سیف، علی اکبر، *روانشناسی پرورش نوین*، تهران: دوان، ۱۳۸۹.
۲۱. شریفی، حمیدالله، *نظام اجتماعی اسلام*، کابل: جامعة المصطفی (ص)، ۱۴۰۰.
۲۲. شعبانی، حسن، *روش‌ها و فنون تدریس*، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۴. _____، *روابط اجتماعی در اسلام*، حجتی کرمانی، تهران: بعثت، ۱۳۶۰.
۲۵. عباس نژاد، محسن، قرآن، *روانشناسی و علوم تربیتی*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۲۶. علوی طویه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، *بررسی تربیت اجتماعی در قرآن*، جامعة المصطفی (ص)، ۱۳۹۱.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم: دارالهجره، ۱۴۲۶ ق.
۲۸. فرهادیان، رضا، *اصول و مبانی تعلیم و تربیت در قرآن*، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۲.
۲۹. فروغی، محمد علی، *سیر حکمت در اروپا*، تهران: زوار، ۱۳۸۳.
۳۰. قائمی مقدم، محمدرضا، «*روش الگویی در تربیت اسلامی*»، معرفت، ۱۳۸۲، شماره ۶۹.
۳۱. کریمی، محمد علی، *الگوهای تربیت اجتماعی: رهنمودهای مهم تربیتی در قالب تمثیل و حکایت*، نیا، قم: پیام مهدی، ۱۳۷۷.
۳۲. کوئن بروس، *مبانی جامعه‌شناسی*، غلام عباس توسلی، سمت، ۱۳۸۳.

۳۳. کیلانی، ماجد عرسان، *فلسفه تربیت اسلامی*، ترجمه بهروز رفیعی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.

۳۴. گیدنز، آنتونی ترجمه منوچهر صبوری، *جامعه‌شناسی*، تهران: نشر نی، چاپ پنجم: ۱۳۷۸.

۳۵. مصباح یزدی، محمد تقی، *اخلاق اجتماعی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴.

۳۶. _____، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰.

۳۷. _____، *معارف قرآن*، محمود رجبی و حمید آرین، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۴.

۳۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.

۳۹. مقدم، فرشته و مرادی عباس آبادی، فریبا، «*نقش همدلی در کاهش تعصبات اجتماعی و استرس*»، مجله پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، شماره ۷۸، آذر ۱۴۰۳.

۴۰. مکارم شیرازی ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۴.

۴۱. مودودی ابوالاعلا، *اسلام نظام زندگی*، سید غلام فاروق وحدتیار، کابل: اصلاح، ۱۳۸۸.

۴۲. هاشمی شاهرودی، محمود و همکاران، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ق.